

بررسی مکتب اسلامی نگارگری شیراز عصر تیموری

سپیده زمانی‌راد^۱؛ عبدالعزیز موحد^۲؛ غفار پوربختیار^۳

چکیده

نگارگری ایرانی از دیرباز درگیر تغییرات مختلفی بوده است و می‌توان به تحولات فرهنگی هنری مختلفی اشاره کرد. مجموعه این تحولات، باعث شد هنرمندان نگارگر، شکل تازه‌ای از نگارگری را بوجود آورند که بعنوان مکتب شیراز دوره مغول و تیموری شناخته شد. لذا هدف تحقیق بررسی شکل‌گیری نگارگری مکتب شیراز در دوره تیموری که متأثر از دوره‌های آل اینجو، آل مظفر و تیموریان و چگونگی روند حیات آن در ادوار مختلف و خصوصیات و میزان تأثیرپذیری آن از هنر بیگانه است. دستاورد تحقیق، مکتب نگارگری شیرازام المکاتب، نگارگری ایران دوره تیموری و حلقه واسطه بین مکاتب قبل و بعد از خود بود، این مکتب نگارگری مستقل نقش مهمی در رشد و بهینه‌سازی مکاتب دیگر عهد تیموری ایفا کرد.

واژگان کلیدی: نگارگری، مکتب شیراز، آل اینجو، دوره تیموری.

zamanirad8@gmail.com.

movahed.2011@yahoo.com

porbakhtiarghafar@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

مقدمه

مکتب نگارگری شیراز حاصل تعامل سالیان دراز نیروهای فعال در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر شیراز بود. ویژگی بارز مکتب شیراز از لحاظ شیوه طراحی و تصویر پردازی، مکتبی مستقل که کمتر تحت تأثیر عناصر بیگانه می‌بود. بهنگام حمله مغول، شیراز بدلیل مصالحه با مغولان کاملاً از گزند و آسیب آنها در امان ماند. بدین ترتیب شیوه تصویرپردازی آن تأثیری از هنر چینی و مغولی نگرفت، و این شیوه مستقل تا دوران آل اینجو و آل مظفر ادامه داشت. با آغاز سده ۸ق (دوره مغول) در ایران، هنر نگارگری وارد مرحله نوینی شد. شهر شیراز با استقرار حکومت آل اینجو و آل مظفر و تیموریان در قرن ۸ و ۹ق، پایگاه اصلی هنر و هنرمندان شد. این شیوه نگارگری در دوران بعد بخشی از ویژگی‌های خود را حفظ نمود و در عصر سلسله تیموری به بهترین حالت ممکن هنرنمایی نمود. پس از مرگ تیمور در سال ۸۰۷ ق و بر سرکار آمدن فرزندش شاهرخ، با توجه به گرایش‌های اسلامی و با کمک عناصر ایرانی مسلمان و انتقال پایتخت از سمرقند به هرات، بتدریج اصول و نهادهای اسلامی جای آرمان‌های قبیله‌ای تیموریان را گرفت. ترکیب سبک‌های مختلف هنرمندان در نواحی پراکنده ایران با گرایش‌های فرهنگی تیموریان، محیط خلاق از هنرها را پدید آورد. دومین دوره فعالیت شیراز مربوط به عصر تیموری است که آثار این دوره تحت نام مکتب شیراز عصر تیموری شناخته می‌شود. با ظهور سلسله تیموری، شهر شیراز تبدیل به مرکز و مهد مکتب نگارگری تیموری گردید و نوآوری‌های نگارگری دوره تیموری منشأ از نگارگری مکاتب شیراز، تبریز و بغداد در اواخر سده هشتم دارد. در سلطنت تیموری یکی از ادوار مهم تاریخ نگارگری در ایران شکل می‌گیرد و ذوق و هنر ایرانی با خالص‌ترین شکل خود به کمال و تعالی می‌رسد و به ظهور دو مکتب بزرگ نگارگری شیراز و هرات که هر دو هنرمندان و آثار هنری قابل توجهی را در خود پرورش دادند منجر می‌گردد.

هدف تحقیق

بررسی شکل‌گیری نگارگری مکتب شیراز در دوره تیموری که متأثر از دوره‌های آل اینجو، آل مظفر و تیموریان و چگونگی روند حیات آن در ادوار مختلف و خصوصیات و میزان تأثیرپذیری

آن از هنر بیگانه است. سؤال تحقیق، مکتب نگارگری شیراز دوره تیموری و تأثیر آن در نگارگری ایران چگونه بود.

فرضیه

مکتب نگارگری شیراز ریشه در نگارگری تاریخی ایران داشت و هنری مستقل می‌بود که تأثیر بسزای بر تحولات نگارگری ایران گذارد و باعث تعالی و رشد نگارگری ایرانی در جهان گردید. روش پرداختن به تحقیق مزبور بر بنیان شناخت نگارگری مکتب شیراز در دوره تیموری که متأثر از ادوار قبلی و با توجه به نحوی نگارگری تیموری تجزیه و تحلیل شده است. این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، با ابزار فیش‌برداری است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

مکتب شیراز، این مکتب حکم پیشرانه‌ای را پیدا می‌کند که خصوصیات مکاتب تبریز، ایلخانی و جلایری را از صافی خود رد می‌کند و آنرا به مکتب نگارگری هرات تحویل می‌دهد. بنابراین برای شناخت این مکتب و تأثیر نگارگری و هنری آن در فضای سرزمین ایران لازم به بررسی است.

سوابق تحقیق: تحقیقاتی که در این باره انجام شده، از جمله ردلیو فریه (۱۳۷۴) «هنرهای ایرانی» که هنرهای گوناگون این دوره را بررسی کرده است. رویین پاکباز (۱۳۸۰) «نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز» یعقوب آژند (۱۳۹۵) «نگارگری ایران» محمد گلبن (۱۳۶۳) «کتاب‌شناسی نگارگری ایران از آغاز تا ۱۳۵۷» شمارگاربتا کاتلی و لویی هامبی (۱۳۸۴) «کتاب هنر سلجوقی و خوارزمی» آرتور پوپ (۱۳۹۴) «سیر و صور نقاشی ایران» ثروت عکاشه (۱۳۸۰) «نگارگری اسلامی» بازیل‌گری (۱۳۹۲) «نقاشی ایرانی». صمد سامانیان (۱۳۹۶) «تحلیل تطبیقی آرا‌های تذهیب». زینب نیک‌نسب (۱۴۰۰) «شناسایی فرم و کاربرد و تزئینات کجاوه در نگاری تیموری». در آثار خود به نقش و تأثیر نگارگری تیموری در هنر نقاشی ایران و استمرار این سنت‌ها در هنر نگارگری، که خود بسیار متأثر از شیوه‌ها و اسلوب نگارگری مکاتب دیگر بوده است، اختصاص

داده و نگارگری تیموری را اوج نگارگری ایرانی دانستند. ارجحیت مقاله حاضر براین اساس که مدعی است، منشا نگارگری تیموری از نگارگری مکاتب و ادوار پیشین می‌باشد و اعتلای نگارگری تیموری که از مکتب شیراز ناشی شده تأثیر بسزایی در هنر نگارگری ایرانی داشته است.

مکتب شیراز در عصر مغولان

بازبینی نگارگری مکتب شیراز عصر تیموری بدون بررسی نگارگری ادوار دیگر تکمیل نمی‌شود، به همین منظور برای شناخت مقدمات شکل‌گیری این فرایند مستلزم پرداختن به مکاتب دیگر و حاکمان پیشین از جمله نگارگری دوره مغول و ادوار بعدی همانند آل اینجو، آل مظفر است. شیراز بعنوان مرکز ایالت فارس در دوره‌های مختلف تاریخی، در زمان حمله مغول به ایران با دادن پیشکش از یورش آنها در امان ماند. (طاووسی، ۱۳۹۰: ۱۶) مکتب نگارگری شیراز از سال ۷۳۶ ق. به بعد که آل اینجو در منطقه فارس و یزد و کرمان و اصفهان بقدرت می‌رسند بگونه‌ای خاص و شفاف شکل می‌گیرد و نوع ویژه‌ای از نگارگری را به نمایش در می‌آورد که دقیقاً خصلت ایرانی دارد و از تأثیرات بیرونی به دور است. (پاکباز، ۱۳۹۲: ۶۹) مصون ماندن شیراز از حمله مغولان باعث بوجود آمدن مکتب نگارگری در خطه فارس به مرکزیت شیراز شد که به مکتب شیراز اول یا شیراز سده ۸ مشهور است. از آنجا که حاکمان همواره حامیان هنر بودند، هنر فارس به مرکزیت شیراز از حمایت سران تازه به تخت نشسته مغول برکنار ماند، چرا که سلیقه هنری مغولان با آنچه هنرمندان بومی شیراز کار می‌کردند متفاوت بود. بدین ترتیب هنر شیراز به هنری محلی تبدیل شد. (کن بای، ۱۳۷۸: ۳۸) «تصویر ۱»

آل مظفر با سرکردگی امیر مبارزالدین محمد و شاه شجاع و فرزندان و بنی اعمام، خود را همبسته فرهنگ عربی از نوع خلافت عباسی اعلام کردند. و تقریباً تا سال ۷۹۶ ق. در شیراز و نواحی دیگر به حکومت پرداختند. (طاووسی، ۱۳۹۰: ۱۶) در روزگار تیره و تاریک ایران در حملات مغول، تنها این خطه فارس بود که بدلیل سیاست‌های حکمرانان خود از گزند و یورش ویرانگرانه مغول در امان مانده بود. (پاکباز، ۱۳۹۲: ۶۸) ابوبکر بن سعد (ششمین اتابک فارس) با هلاکو خان سازش کرد و بدین ترتیب سرزمین فارس از حمله لشکریان او مصون نگه داشت. ابوبکر حتی برای فتح بغداد به هلاکو خان یاری رسانید. اتابکان بعدی مطیع ایلخانیان

بودند. (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۹۱) شیراز خاستگاه هویت یابی نگارگری ایرانی در قرن ۸ ق است محققان برای توضیح مکتب هنری شیراز، که در عهد حکمرانی خاندان اینجو در شیراز بوجود آمد، از عناوینی چون «سبک اینجو» یا «مکتب شیراز در عهد سلاطین اینجو» استفاده می‌کنند. (آدامووا، ۱۳۸۳: ۵۶) همینطور استفاده از عنوان مکتب یا «سبک آل مظفر» برای تبیین ویژگی‌های مکتب شیراز در عهد سلاطین آل مظفر مناسب‌تر است. بعلاوه، برای دوره تیموریان نیز انتخاب عنوان «مکتب شیراز» در کنار «مکتب هرات» مورد پذیرش محققان قرار گرفته است. «تصویر ۲»

سلسله آل اینجو

اینجویان پس از اتابکان در فارس به حکومت رسیدند و تا زمان استیلای تیمور گورکانی در آنجا فرمان راندند. «آل اینجو از حکام مغول بودند که خود مختار شده و جدا از حکومت‌های ایلخانیان، حکومتی را در فارس و به پایتختی شیراز بین سال‌های ۷۰۳-۷۵۷ ق. تشکیل دادند.» (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۹۱) این خاندان به نوعی ایرانی شدند و زیر نظر ایلخانان حکومت کردند و پس از مرگ ابوسعید مستقل شدند. اینان که از حامیان هنر و فرهنگ ایرانی بودند، هنرمندان را تشویق و حمایت می‌کردند. به همین منظور هنرمندان برای حفظ امنیت خود به شیراز پناه برده و مکتب شیراز را بنیان نهادند. (طاووسی، ۱۳۹۰: ۱۶) حاکم مشهور آل اینجو و خط دهنده اصلی آن شاه شیخ ابو اسحق اینجو بود که در عرصه فرهنگ و هنر، سیمای تابناکی از خود نشان داد. در زمان او نظم و سامان تازه‌ای برقرار شد و توانست از ورطه آشفتگی‌ها و نابسامانی‌ها سربلند بیرون آید و محیط هنرپروری در شیراز پدید آورده و حامی هنرها و پشتیبان علم و ادب گردد.

یعقوب آژند، درباره ابواسحق اینجو می‌نویسد: «شاه ابواسحق اینجو پادشاهی بود خوش صورت و نیکو اخلاق که مدت چهارده سال با شوکت و حشمت بر شیراز و اصفهان حکم راند. سرزمین فارس در ایام او آبادان و صاحب نعمت و ثروت بود و او در تربیت اهل علم و ادب می‌کوشید.» (آژند، ۱۳۹۲: ۱۷۸) شاعرانی چون حافظ، عبید زاکانی، شمس فخری اصفهانی در دربار ابواسحق اینجو جمع بودند. (دولت‌شاه، ۱۳۳۶: ۲۹۳) او با قاضی عضدالدین ایجی از فضیلت بزرگ زمان حشر و نشر داشت و او را سخت عزیز می‌داشت. خواجوی کرمانی مثنوی

کمال نامه خود را به شاه شیخ ابواسحق اینجو اهدا کرد. (غنی، ۱۳۵۶: ۱۲۸) ابن بطوطه می‌نویسد: «ابو اسحق می‌خواست ایوانی مانند ایوان کسری بسازد از اینرو به اهل شیراز امر کرد تا اساس آن را حفر کنند و پی افکنند و شیرازیان با مسرت بسیار دست به اینکار زدند. «ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۲۶) وزارت شاه شیخ ابواسحق با خواجه حاجی قوام الدین حسن بوده است. قوام الدین به اهل هنر عنایتی ویژه داشت حافظ بارها از قوام الدین به نیکی یاد کرده است. شاهنامه سال ۷۴۱ ق. که در مطالب بعد از آن نام می‌بریم نیز برای حاجی قوام کتابت و مصور شده است. «تصویر ۳»

شاهنامه فردوسی می‌توانست ذوق و سلیقه هنروری و هنرپروری هنرمند آن دوره را ارضا کند؛ بخصوص که ابواسحق اینجو و قوام الدین حسن وزیر با گشاده دستی و خوش دلی، در شکل‌گیری این ذوق و سلیقه مشارکت داشتند نسخه‌های بدست آمده از نظر سبک‌شناسی آمیزه‌ای از خصوصیات آل مظفر و آل جلایر است و قطع بزرگ کارها جای خود را به نگاره‌های کوچک و پویا می‌دهد. این سبک در شیراز در نگاره‌های خمسه نظامی ۸۳۹ ق. در شاهنامه فردوسی ۸۴۴ ق. جلوه می‌یابد. «تصویر ۴» در نگاره‌های این مکتب با همه تمایز و متفاوت در رنگ‌بندی‌ها و ترکیب‌بندی‌ها نوعی تقارن نیز بر ترکیب بندی حاکم است و دوره شیراز تیموری رویکرد ترکی و مغولی دارد. (آزند، ۱۳۸۷: ۱۹۰) تختگاه شیراز را پناهگاه هنرمندان قرار دادند، بطوری که این سنت پس از برافتادن اینجویان و آل مظفریان هم چنان دوام داشت.

مکتب نگارگری شیراز در عهد آل اینجو

مکتب نگارگری شیراز پس از یک زمینه فرهنگی طولانی چند قرنی در این شهر با حمایت‌های هنرپروران صاحب قدرت و ثروت در دوره آل اینجو ظهور کرد. کارگروهی هنرمندان در کتابخانه‌هایی که اصحاب قدرت تأسیس می‌کردند به آثار پدیدآمده ویژگی‌های مشترکی می‌بخشید. اکثر هنرمندان این مکتب اهل شیراز یا مناطق اطراف شیراز بودند. این مکتب رشد مستمری داشت و از خامی بسوی پختگی حرکت کرد و همین پویایی، نشان دهنده این موضوع است که هنرمندان این مکتب اهل جستجو و تجربه بودند و تنها به داشته‌های قبلی اکتفا نمی‌کردند. آنها در این مسیر به نقاشی مناطق دیگر نظیر مکتب تبریز و هم چنین به نقش مایه‌های چینی نظر داشتند، اما بر این تأثیرپذیری‌ها مهر و امضای ویژه مکتب شیراز

گذاشتند و دچار تقلید صرف نشدند. (تجویدی، ۱۳۸۶: ۴۳) سچوکین ۱ نیز اعتقاد دارد در مکتب شیراز افزون بر عناصر چینی‌وارویژگی و خصوصیات ایرانی هم بسی شدید بود. (Stchonkine, ۱۹۳۶: ۹۳)

از اوایل سده هفتم کارهای شیراز تحت حمایت امیران اینجو فعالیت وسیعی را در مصورسازی متون ادبی و خصوصاً شاهنامه آغاز کردند. «در واقع، اینجویان بمنظور مقابله با ایلخانیان و تحکیم موقعیت خویش سیاست تجلیل از تاریخ گذشته ایران را در پیش گرفتند. در نتیجه چینی مابی رایج در تبریز کمترین تأثیر را در نقاشی شیراز گذاشت. بدینسان هم زمان با نوآوری نگارگری چون احمد موسی و شمس الدین، مکتب شیراز، سنت پیشین نقاشی ایرانی را تداوم بخشید.» (پاکباز، ۱۳۹۲: ۶۸)

در این میان چند کارگاه کتاب نگاری غیردرباری نیز در شیراز فعالیت می‌کردند. «شماری از نسخه‌های مصور کوچک اندازه‌ای که از این کارگاه‌ها بیرون می‌آمدند به هند، ترکیه و برخی نواحی ایران صادر می‌شدند. بدین طریق سبک نگارگری شیراز به نقاط دیگر راه یافت و مثلاً تأثیر آنرا در نگارگری درباری هند باختری می‌توان تشخیص داد.» (پاکباز، ۱۳۹۲: ۶۹)

Stchonkine تایتلی در این باره می‌نویسد:

«در شیراز از مدت‌ها پیش نسخه‌هایی برای داد و ستد تولید می‌شد و این نسخه‌ها به دهلی، ملوا، بنگال و کن صادر می‌گشت. کارگاه‌های هنری شیراز از این نظر فعالیت چشمگیری داشتند و به احتمال زیاد هنرمندان شیراز هم برای تعلیم نقاشی به هنرمندان شبه‌قاره و کار بر روی نسخه‌ها به هند می‌رفته‌اند.» (Titley, ۱۹۸۳: ۳۵)

محققان برای توضیح این مکتب، غالباً از عناوینی چون «سبک اینجو» یا «مکتب شیراز در عهد سلاطین اینجو» استفاده می‌کنند، زیرا شیراز بعدها به دفعات به مرکز مکتب خاصی در نقاشی ایران مبدل گشت. علاوه بر این وجود این کتب به دوران حکومت سلاطین اینجو، محدود می‌گردد زیرا پس از سرنگونی خاندان اینجو، ویژگی نقاشی ایرانی در شیراز شدیداً تغییر یافت و تأثیر سبک اینجو تنها در بعضی مناطق، در نگاره‌های نیمه دوم قرن ۸ ق. مشاهده می‌شود. (آدامووا، ۱۳۸۳: ۵۶) «تصویر ۵»

با عطف به مراوده‌های فرهنگی که از قبل میان ایران و چین بوده است نمی‌توان اسلوب

اینجو را تهی از تأثیرات چینی دانست اما شاید این تأثیرات از راه دیگر و از طریق صنایع دستی و برداشت از لباس مهاجمین ممکن شده است. با اینحال می‌توان گفت: تأثیرات هنرچین بقدری کم است که «دنیکه» در سال ۱۹۲۳ م، متوجه اصالت ایرانی اشخاص، لباس‌ها و موضوعات در نگاره‌های شاهنامه دوره اینجو گردید. او نوشت: «گویی ویژگی‌های دوران ساسانی به طرز خشک و ناپخته زنده می‌شوند.» (آدامووا، ۱۳۸۳: ۶۶) «در حالیکه در مکتب جلایری (بغداد و تبریز) به ریزه کاری‌ها و نمایش طبیعت و منظره اهمیت بیشتری داده می‌شود. در مقابل در سبک اینجو به تصویر انسان و حیوانات اهمیت بیشتری داده می‌شود و این عناصر مهم‌ترین بخش فضای نقاشی را در سبک اخیر پر می‌نمایند.» (تجویدی، ۱۳۸۶: ۸۵) «تصویر ۶»

مهمترین خصوصیت مشترک تمامی نگاره‌های نُسخ خطی سبک اینجو، به کار بردن بسیار رنگ‌های قرمز و زرد، است. طراحی پر تحرک و زنده، حرکت آزاد قلم و قلم مو برای بیان اندام و استفاده اغراق آمیز از ساقه و گل و گیاهان از دیگر خصوصیت بارز این نگاره هاست. «این نگارها، عموماً در اندازه‌های کوچک و قالب افقی است. شیوه عام نقاشی‌ها، سترگ نما باقی می‌ماند.» (مقدم اشرافی، ۱۳۶۷: ۲۸)

بررسی مکتب شیراز در سده هفتم و نهم ه. ق.

بین سده هفتم تا سده نهم ه. ق مکتب شیراز نقش مهمی را در تاریخ نقاشی ایران عهده دار بوده و خود دارای سبک و شیوه ای مستقل و کاملاً جدا از روش‌های رایج آن دوران است. مکتب نگارگری شیراز را می‌توان سرآمد مکتب‌های نگارگری و به تعبیری ام المکاتب نگارگری ایران دانست؛ چون مکتبی است که در آن نخستین نشانه‌های تصویرگری ایران به ظهور رسیده؛ (آژند، ۱۳۹۳: ۹) مکتب نگارگری شیراز از سال ۷۳۶ ق به بعد در عهد حاکمیت خاندان آل اینجو با تمام سعی و اهتمام نگارگران و متولیان حکومت بصورت ویژه‌ای و روشن شکل یافته و گونه‌ای منحصر بفرد از نگارگری را ارائه می‌دهد که دقیقاً خصائل بومی منطقه‌ای دارد و از اثرات دیگر مکاتب بیگانه به دور می‌باشد (زبانران، ۱۳۹۵)

مکتب شیراز بدلیل خصوصیتی چند بعنوان یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های فرهنگی هنری ایران در دوران اسلامی شناخته می‌شود. لیکن آنچه را مسلمانان ایرانی در این قلمرو انجام داده اند باید به وجهی دیگر مورد تأکید قرار داد. وضعیت جغرافیایی خاص این محدوده نسبت

به تختگاه دوران مغول یعنی تبریز و هم چنین بغداد، باعث فراهم آمدن شرایطی شد که حضور هنرمندان ایرانی مورد حمایت حاکمان محلی به شکل گیری هنری پالایش یافته با گرایش هایی ایرانی ترکی مغولی انجامد. گنجینه هنر گذشته های دور در جهت گیری اندیشه تصویری هنرمندان ایرانی ساکن شیراز در اجزای نگاره های باقی مانده از این دوران قابل ردیابی و مشاهده است. ازسوی دیگر، کاهش عناصری که می توان آنها را وارداتی از هنر چین نامید به یک آمیختگی فرهنگی و نگارگری با رویکردی ایرانی، مغولی، ترکی منجر شده است. (آزند، ۱۳۸۷: ۱۹۰) به همین دلیل مکتب شیراز بنوعی، مرکز سنت های کهن نگارگری ایران محسوب و از تأثیرات هنر چین و دیگران تا حدود زیادی در امان بود. با استقرار حکومت آل مظفر (۷۹۵-۷۵۴ ق) مکتب شیراز، تحت تأثیر هنر تبریز، در مسیر تحولی چشمگیر قرار گرفت. در این دوره صحنه های طراحی به یک فضای تغزلی دست می یابد. (مقدم اشرفی، ۱۳۶۷: ۱۳۷-۱۳۸)

این مکتب در عهد مظفریان با دگرگونی در گزیده های فرهنگی و تمدنی استمرار می یابد و تا تحول قرن ۸ و ۹ ق. آثاری بایسته و در خور توجه تولید می کند و شاخصه ها و مؤلفه های خود را هر چه بیشتر پربار و غنی ظاهر می سازد. با ظهور عصر تیموریان در این منطقه از مکاتب غنی نگارگری سرزمین ایران می گردد و بدایع و نوآوریها و دستاوردهای چشم نوازی از خود بروز می دهد. مکتب نگارگری شیراز دوم، همچون پلی بین مکتب های نگارگری تبریز- بغداد (ایلخانی- آل جلایر) و مکتب نگارگری هرات دوره تیموری بود. این مکتب زمینه را برای مکتب هرات فراهم کرد و در بسط و غنای آن نقشی درخور داشت. (زبانران، ۱۳۹۵)

صد و پنجاه سال بعد از نخستین یورش مغولان به ایران، تیمور و لشکریانش از مرزهای شمال شرقی، کشور را مورد هجوم قرار دادند. تیمور سه حمله عمده به ایران انجام داد، و تا سال ۸۰۲ ق ایران، را تسخیر نمود. حملات تیمور و کشمکش دائم میان اقوام رقیب همچون ترکمان مانع از بروز استعداد های هنری مردم در طول این دوران شده بود. عامل اصلی و مهم در بقای فرهنگی در این دوران، میزان کمک مالی بود که به هنرمندان و نویسندگان این دوره می شد. در واقع سیاست فرهنگی تیمور با برنامه های سیاسی و نظامی اش پیوستگی داشت. او هنرمندان و استادکاران را امان داده و سپس آنان را به پایتخت سمرقند گسیل می کرد و در آنجا در برنامه های وسیع فرهنگی و ساختن ابنیه شرکت می داد. (رهنورد، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۹)

تحولات فرهنگی ایران در عصر سلسله تیموریان (۷۷۱-۹۱۶ ق / ۱۳۶۹-۱۵۱۰م)

در عصر تیموری سیاست امان دادن به هنرمندان و صنعتگران، سبب افزایش مراکز هنری در جای جای قلمروی آنان گشت و بتدریج به تولید هنر در زمینه های پیشرفته نایل گردید. این عمل بیانگر آن است، تیمور و تیموریان با وجود روحیه جنگاوری، در رشد و پیشرفت هنر مؤثر بوده‌اند. در سال ۷۹۵ ق. تیمور با یورش به مظفری ها که شهر شیراز تحت حکومت آنها بود، آنان را شکست داد. این شهر بدست او تسخیر و تیمور وارد شهر شیراز شد، خاندان آل مظفر را قلع و قمع و حکومت شیراز و اصفهان را به فرزند بزرگش عمر شیخ (۷۹۶-۷۵۵) می‌دهد. بعد از وفات تیمور در سال ۸۰۷ ق / ۱۴۰۴ م. بین ورثه او نزاع در گرفت و سرانجام، چهارمین پسر او شاهرخ توانست خویشان و نزدیکان خود را وادار کند تا حکومت او را تصدیق کنند. دولت شاهرخ در نتیجه کفایت و کاردانی مدت‌ها دوام یافت و دربار و جانشینانش از بهترین مراکز علم و ادب و هنر شد و در اثر شایستگی او و فرزندانش دوره‌ی درخشان دیگری در تاریخ تمدن ایران به وجود آمد.

اسکندر سلطان پسر عمر شیخ «نوه تیمور، پس از مرگ پدر بزرگش حکمرانی بر شهر یزد را از عموی خود شاهرخ دریافت کرد و عازم آنجا شد. در فاصله سالهای ۸۱۳-۸۱۴ ق / ۱۴۱۰-۱۴۱۱ م. برادر بزرگ‌تر اسکندر که حکمران شیراز بود درگذشت و حکمرانی شیراز نیز به اسکندر رسید و تا سال ۸۱۸ ق. حاکمیت شیراز را از آن خود ساخت. اسکندر حامی هنر بود، او برجسته‌ترین هنرمندان زمان را در شیراز گردآورد و به یاری آنان گام نخست در تحول کتاب‌نگاری عهد تیمور برداشته شد. «(پاکباز، ۱۳۹۲: ۷۱) و بدین ترتیب «شیراز نخستین مرکز معتبر هنری در کشور گردید. «(گورکیان، ۱۳۷۷: ۲۵) از این پس، شیراز و پیرامون آن در اختیار تیموریان قرار گرفت. تیموریان منشأ ترکی داشتند و از این پس خصلت‌ها و ویژگی‌های زندگی آنها در فارس و پیرامون آن حضور یافت و پیدا و پنهان در فرهنگ این منطقه تأثیر گذاشت. فرهنگ ایرانی مورد نظر آل اینجو و فرهنگ عربی مورد توجه آل مظفر و فرهنگ ترکی آل تیمور در مکتب نگارگری شیراز تأثیر گذاشتند.

سیر تحول هنر در عهد تیموریان

هنرمندان شیراز، خطاط و نقاش با مواریثی که از مکتب شیراز سده ۸ (آل اینجو و آل مظفر) بدست آورده بودند، آثاری را برای صاحبان قدرت تیموری، تولید کردند که امروزه در موزه‌های جهان پراکنده است. این مکتب الگوی مکتب اولیه هرات شد. (زبانران، ۱۳۹۵) اسکندرسلطان مردی کرم ستوده و حامی شعر و شاعری بود او بعنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان تهیه نسخه خطی در سده ۹ ق در تاریخ نقاشی ایران از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. از خدمات مهم هنرمندان این دوره، هضم و دگرگونی سبک اقتباسی طراحی چینی، با ایجاد، شیوه ای جدید تأثیر مهمی در شکل‌گیری مکتب شیراز دارد. اسکندرسلطان که میراث مکتب شیراز سده ۸ ق را صاحب بود کتابخانه‌ای تشکیل داد و هنرمندان زیادی از نقاش و خطاط و مذهب و مجلد را به خدمت گرفت. بسیاری از این هنرمندان قبلاً در دربار آل مظفر بکار مشغول بودند و این را می‌توان از تشابه نگاره‌ها در چهره پردازی وافق‌های بلند تشخیص داد. (زبانران، ۱۳۹۵)

نزاعات و رقابت‌های قدرت به درگیری‌های اسکندرسلطان با شاهرخ تیموری انجامید و به سرنگونی اسکندرسلطان منجر گردید. شاهرخ فرزند خود ابراهیم سلطان را در شیراز بجای اسکندرسلطان معزول به حکومت نشانید. ابراهیم نیز مانند برادرش بایسنقر، در ادبیات استعداد داشت، او نیز هنرآموزی را حمایت می‌کرد. البته او نتوانست از قریحه هنری خود استفاده زیادی ببرد، زیرا به هر حال عده‌ای از هنرمندان اسکندر پس از مرگ او به هرات مراجعه کرده بودند. باوجود این شیراز بطور کامل از هنرمندان برجسته خود خالی نشد. « (رهنورد، ۱۳۸۸: ۵۰)

بعد از انتصاب ابراهیم سلطان و برادرش بایسنقر به ترتیب به حکمرانی شیراز و هرات سبک نقاشی در شهر شیراز کاملاً با سبک درباری انجام شده در هرات تحت حکمرانی بایسنقر فرق می‌کرد. دلیل آن بنظر می‌رسد در این نکته بوده باشد که وقتی بایسنقر مدرسه جدید خود را در هرات تأسیس کرد، (آژند، ۱۳۶۸: ۱۹۱) بیشتر هنرمندان برجسته را از شیراز جلب کرد. مؤثرترین نسخه‌های خطی در دوره تیموری مربوط به دوره بایسنقر میرزا است. وی از هنرمندان خوشنویس زمان خود بود و در آنجا کتابخانه‌ای تأسیس کرد که از مهم‌ترین مراکز کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی در زمان خود شناخته می‌شد. (ریشار، ۱۳۸۳: ۶۰)

فضایی آکنده از احساسات رقیق متأثر از اشعار سعدی، حافظ و خواجوی کرمانی، با نظمی

دقیق همراه با سادگی که بعدها در اثر ارتباط با سایر مراکز هنری از جمله بغداد و تبریز تأثیر و اثراتی میان این مراکز صورت پذیرفته و رشد نموده است. با این وجود نوع نگاه نقاشان شیراز، به نقاشی ویژگی‌های بخشیده که آن را از سایر مراکزی که در آنها نقاشی وجود دارد متمایز ساخته است. از دیگر سو، مکتب شیراز با ابداع نظم‌ی خاص در نگاره‌ها و وارد کردن ابیات شعری در تصاویر موجب پیوند هرچه بیشتر ادبیات و نگارگری شده است. بدین ترتیب که: در اواخر سده ۸ق، جنید و سایر نقاشان بخش باختری به منظور تأکید بر موضوع داستان و ایجاد ارتباط بیشتر بین متن و تصویر، به این راه حل رسیدند که در داخل سطح نقاشی شده جایی برای ابیات شعر در نظر بگیرند. (ماه وان، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۵) «تصویر ۷»

اگر ما مکتب نگارگری تبریز ایلخانی و شیراز و هرات تیموری را در سه زاویه مثلثی قرار دهیم، مکتب شیراز در زاویه میانی آن قرار می‌گیرد. این مکتب یافته‌هایی از مکتب تبریز ایلخانی را جذب می‌کند، می‌پروراند و پخته و پرورده می‌نماید و به مکتب هرات منتقل می‌کند و آن را پرمایه و غنی می‌سازد. درحقیقت مکتب شیراز حکم کاتالیزوری را داشته که همواره سر زنده و پویا به بازسازی و بازآفرینی یافته‌های نگارگری می‌پرداخته و ضوابطی نویافته را پیش رو می‌نهاده است. این ضوابط نویافته، بویژه در حیطه تذهیب و کتابت و صفحه‌آرایی، از عوامل مهم تکوین و تکامل نگارگری ایران است.

از نگاه محققان به مکتب نگارگری شیراز در دوره تیموری (ابراهیم سلطان ۸۵۷-۸۱۸ ق / ۱۴۱۵-۱۴۵۳ م) آن را مکتبی متمایز می‌دانند. «یعقوب آژند» در این باره می‌نویسد: «مکتب نگارگری شیراز در این دوران همچون پلی بین مکتب‌های نگارگری تبریز بغداد (ایلخانی و جلایری) و مکتب نگارگری هرات بود. این مکتب اسباب و لوازم ضروری را برای مکتب هرات بخصوص دوره پیشین آن، فراهم آورد و در بسط و غنای آن نقشی درخور داشت. هنرمندان مکتب شیراز، خطاط و نقاش، با موارثی که از مکتب شیراز در دوره آل اینجو و آل مظفر بدست آورده بودند، آثاری را برای صاحبان قدرت تیموری (اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان) تولید کردند که امروزه در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف جهان پراکنده است و الگویی برای آثار نگارگری مکتب هرات (دوره پیشین) شد.» (آژند، ۱۳۹۲: ۴۲۳)

با ورود تیموریان به صحنه نگارگری مکتب شیراز، گرایشی دیگر وارد این مکتب شد. یعنی رویکرد ترکی-مغولی که برای تثبیت با گرایش‌های ایرانی در آمیخت و ترکیبی نو فراز آورد. در

حقیقت مکتب شیراز تا نیمه دوم سده ۹ ق. سه رویکرد ویژه را بنا به گرایش های سرکردگان قدرت آزمود و در این آزمودگی ها به دستاوردهای در خور در قلمرو کتاب آرایی و نگارگری دست یافت. تحت حمایت ابراهیم سلطان، سبک نگارگری شیراز تحول دیگری یافت. مثلاً در شاخص ترین اثر این دوره (شاهنامه ابراهیم سلطان) طراحی ها قوی تر و رنگ ها خاموش تر شده اند. علاوه بر این، عناصر نوشتاری در کل ترکیب بندی اهمیتی خاص یافته اند. (پاکباز، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۳) «تصویر ۸»

تذهیب در دوران تیموریان

روند رو به اوج هنر تذهیب در سده ۹ ق/ ۱۵ م ادامه یافت. در این سده که هم زمان با عصر تیموریان و دوره حمایت فراگیر از هنر و گردآوردن اجباری هنرمندان سراسر سرزمین های گشوده شده بدست تیمور در سمرقند بود، هنر تذهیب بگونه ای چشم گیر پیشرفت و تکاملی همراه با ظرافت داشت. در مکتب شیراز هنر تذهیب و تصویر و بالاتر از همه کتابت و خطاطی، چهره ای شاخص پیدا می کند و سنتی متمایز پدید می آورد؛ طوری که بعدها مکتب نگارگری هرات را از این حیث سیراب می کند.

دوره تیموری یکی از مهم ترین ادوار هنری ایران در حوزه کتاب آرایی و هنرهای مرتبط با آن از جمله خوشنویسی و تذهیب است که با ویژگی های مختص به خود در قالب مکاتب هنری شیراز و هرات و تبریز، جلوه نمایی می کند. شناسایی انواع کتاب آرایی در نسخه ها و صفحه آرایی ها، تذهیب و تمهیدات بکارگیری آن در نسخه های خطی، شاخصه اصلی خوشنویسانه آثار پیشینیان هنر زمان ماست؛ لیکن هنر فاخر گذشته باید الگویی برای بهبود وضعیت نابسامان کتاب آرایی زمان ما قرارگیرد. با این حال، اوج و تکامل هنر کتاب آرایی در ایران به سده ۱۵ م/ ۹ ق، مربوط می شود. (پاکباز، ۱۳۸۹: ۴۰۷)

شمار مذهب های شناخته شده در این دوره بیشتر از دوره های پیش است. در همین دوره افزون بر حمایتی که از سوی پادشاهان و شاه زادگان تیموری نسبت به مذهب ها وجود داشت، برخی از آنان نیز خود به هنر تذهیب می پرداختند. از آن جمله است سلطان احمد جلایر ۷۸۴-۸۱۳ ق/ ۱۳۸۲-۱۴۱۰ م. که دولتشاه سمرقندی هنر تذهیب را نیز در شمار هنرهای گونه گون او برمی شمارد. (سمرقندی، ۱۳۰۵ ق: ۱/ ۱۳۲)

در شیراز نیز حضور شاهزادگانی هنرمندی چون اسکندرسلطان و ابراهیم سلطان موقعیت را برای شکوفایی و تمرکز فرهنگی فراهم کرد تا آنجا که این شاهزادگان در زمینه ادب و هنر به رقابت و هم‌چشمی با شاهزادگان هرات تختگاه تیموریان، برآمدند. آنان هنرمندان بزرگی را به دربار فراخواندند و سرمایه‌گذاری هنگفتی انجام می‌دادند تا در توسعه کتابخانه سلطنتی و پیشرفت هنر کتاب‌آرایی و ایجاد کارگاه‌های هنری، برتری خود را نشان دهند. (آژند، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

بنظر می‌رسد که رئیس کتابخانه سلطنتی شیراز در زمان ابراهیم سلطان، نصیرالدین مذهب یا نصرالسلطانی بوده است و فرمان کلانتری کتابخانه او که از طرف ابراهیم سلطان سال ۸۳۵ق. صادر شده، امروز در دست است. (رعناحسینی، ۱۳۶۳: ۶۹-۷۲) علاوه بر اینها، شماری از مذهب‌بان و خطاطان و نقاشان در کارگاه هنری کتابخانه کار می‌کردند. نام بعضی از کاتبان در انجام نسخه‌ها ثبت شده است. پس از مرگ ابراهیم سلطان در سال ۸۳۸ق. در نسخه‌های شیراز آرایه‌های پرمایه و غنی مذهب دیده نشد و نسخه‌های هنری مکتب شیراز به صورت صادراتی و تجاری درآمد. (آژند، ۱۳۸۷: ۱۹۲) «تصویر ۹»

خصوصیات مکتب شیراز در عهد تیموری

نسخه‌های کتاب‌آرایی شده در عهد تیموری از نظر سبک‌شناسی در حقیقت آمیزه‌ای از خصوصیات اساسی نگارگری آل مظفر و آل جلایر و ارائه ترکیبی دلنشین از این خصوصیات است. مهمترین ویژگی نسخه‌پردازی زمان اسکندرسلطان (۸۱۳-۸۱۷ق) در حمایت از تولید گلچین متون ادبی و علمی متمرکز شده بود. در گلچین حماسه‌ها سبک جدید مکتب شیراز در دوره اسکندرسلطان بهتر و روشن‌تر نمایان شده است. ابراهیم سلطان از هنرمندان شیراز برای کتاب‌آرایی نسخه‌های حماسی و تاریخی همچون شاهنامه بهره جست. ویژگی دیگر مکتب شیراز در دوره ابراهیم سلطان، کتاب‌آرایی نسخه‌های تاریخی همچون ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی و تذهیب زیبا و کتابت دلنشین قرآن‌هایی است که بدست خود وی انجام گرفته است. (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۹۱) «تصویر ۱۰»

برخی از ویژگی‌های نسخه‌های مذهب و مصوّر مکتب شیراز در این دوره عبارت‌اند از: الف) مجموعه رنگ‌های مکتب شیراز غنی است اما همیشه موزون و هماهنگ نیست و در

پی تحصیل نموده‌های حساس است. تدارک رنگ‌های مکتب هرات کاملاً متفاوت و مغایر است چون رنگ مایه‌های نرم‌تر و عمیق‌تر در اینجا مد نظر بوده است. (پوپ، ۱۳۷۸: ۶۷) در نگاره‌ها و تذهیب این دوره پراکندگی رنگ‌ها بسیار خوب است و در یکجا جمع نشده‌اند و رنگ‌های سرد و گرم در کنار یکدیگر به زیبایی ودقت فراوان ترسیم شده‌اند. رنگ‌های همانند کرم، آگر، سبز تیره، قرمز، آبی فیروزه‌ای، صفحات کاملاً اصیل ایرانی را بوجود می‌آوردند. در قرن ۹ ق. درخشندگی و تنوع رنگ‌ها نسبت به قرن ۸ ق. بسیار بیشتر شده است. (مریدحیدری، ۱۳۸۱: ۲۸۱-۲۸۵) «تصویر ۱۱» در این زمان رنگ‌ها متنوع‌تر و پخته‌تر و لطیف‌تر شده و انواع رنگ‌های ارغوانی، صورتی، قرمز و سبزه‌های بسیار زنده، زرد و زرنیخی (زرد کم رنگ و یا رنگ طلایی) به سایر رنگ‌ها افزوده شد. رنگ در مکتب شیراز یکی از ارکان مهم نقاشی است این دوران تکنیک‌های پیشرفته تری را در ساخت و کاربرد رنگ‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند. «تصویر ۱۲»

ب) در آرایه‌ها و نگاره‌های این دوره عناصر نوشتاری در کل ترکیب‌بندی اهمیت خاصی یافته‌اند و قاعده کلی بر این بوده که با جای دادن دو یا چهار کتیبه در بالا و پایین نگاره‌ها، ساختاری متقارن و هندسی در فضای تصویری بوجود آید. اگر محورهای عمودی میان کتیبه‌های بالایی و پایینی را ترسیم کنیم، فضا به چندبخش متناسب تقسیم می‌شود و غالباً اشخاص و وقایع اصلی در بخش میانی و در زیر خط افق تمرکز می‌یابند. (کن بای، ۱۳۷۸: ۷۳) در دوره تیموری تولید گلچین متون ادبی و علمی مورد توجه قرار گرفت و قطع بزرگ روزگار آل مظفر جای خود را به نگاره‌های کوچک و پویا در متون ادبی و علمی داد. رنگ‌های مکتب شیراز متنوع‌تر پخته‌تر و لطیف‌تر شد. مکتب شیراز را می‌توان پایه‌ای برای اوج‌گیری نقاشی ایرانی در مکتب هرات دانست و مکتب نقاشی هرات با دوران تیموریان پیوند خورده است. «تصویر ۱۳»

نتیجه گیری

بازبینی نگارگری مکتب شیراز عصر تیموری بدون بررسی نگارگری ادوار دیگر ناقص است، شیراز خاستگاه هویت یابی نگارگری ایرانیست. سلسله آل اینجو با تبار مغولی و با تأثیر از فرهنگ ایرانی حامی هنرنگارگری ایرانیان شد. مکتب شیراز با زمینه فرهنگی اهل جستجو و تجربه بود، مصورسازی کتب شعر و داستان نویسی‌ها از این دوره شروع شد که خمسه نظامی و شاهنامه فردوسی از این جمله هستند. عدم تأثیر نگارگری چینی علیرغم تأثیرگذاری هنرمانوی برنگارگری دوره تیموری در مکتب شیراز یا دیده نشده یا کمتر مشاهده گردید. در این دوره کاربرد رنگ آن هم قرمز و زرد که رنگ‌های پرتحرکی هستند بصورت اغرا آمیزی در چهره‌ها و گل‌ها، گیاهان دیده شد. نگارگری مکتب شیراز به نگارگری ام‌المکاتب شهره گردید. مکتب شیراز بدلیل ویژگی‌های خاص، یکی از حائز اهمیت‌ترین مکاتب هنری ایران دوره اسلامی بشمار می‌آید. این مکتب از قرن ۸ تا اواسط قرن ۹ ق. نقش مهمی را در تاریخ نقاشی ایرانی به عهده داشت. برآمدن تیموریان درفلات ایران و کسب قدرت و علاقه شخصی بعضی از امراء و شاهزادگان به هنر نگارگری، این دوران را اوج هنر نگارگری ایرانی دانسته‌اند. هنروران شیرازی با میراثی که از مکتب قرن ۸ ق. بردند، آثاری از نگارگری را در دوره تیموری موجب شدند که امروزه زینت موزه‌های جهان هست. نوع نگاه نقاشان شیراز، به نگارگری خصوصیتی را اعطا کرده که آن را بسیار متمایز نموده، در این تمایز اسکندرسلطان و ابراهیم سلطان، نقش بی‌بدیلی را ایفاء نمودند. مکتب شیراز در عصر تیموریان تجلیات و اثرات خلاقیت هنری و رهنمون ذوق هنرمندان بود. مکتب شیراز در حوزه زیبایی شناسی مراحل را طی کرد و با گذشت زمان و تجربه اندوزی هنرمندان ابعاد زیبایی شناسی این مکتب توسعه یافت. این نوآوری‌ها در نسخه‌های گلچین‌های منظوم و منثور دوره اسکندرسلطان و ابراهیم سلطان به تراز والایی از زیبایی دست یافت و گاه بیان شاعرانه‌ای پیدا کرد. تذهیب در مکتب شیراز پر مایه و غنی بود و تذهیب مکتب شیراز به خصوص در قرآن‌های تولید شده در این مکتب هنرمندانه‌ترین شیوه‌ها را به نمایش می‌گذارد و الگویی برای قرآن‌نگاری‌های مکاتب دیگر گردید.

پیوست تصاویر



تصویر ۱- افراسیاب و رستم. برگ مصور از شاهنامه مکتب شیراز اول (۱-سلیمانی، ۱۳۹۹)



تصویر ۲- بلند کردن افراسیاب توسط رستم از روی زین. برگی از شاهنامه. مکتب شیراز اول (سلیمانی، ۱۳۹۹)



تصویر ۳- مکتب شیراز سده ۸هـ ق نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز / (۲- رویین پاکبازسایت ویستا)



تصویر ۴- خمسه نظامی، سده نهم ق- ۱۵ م، مکتب شیراز دوم، موزه متروپولیتن، نیویورک (۳- زبانان، ۱۳۹۵)



تصویر ۵- نقاشی دورهٔ اینجویان (۴-رمضان ماهی، ۱۳۹۲)



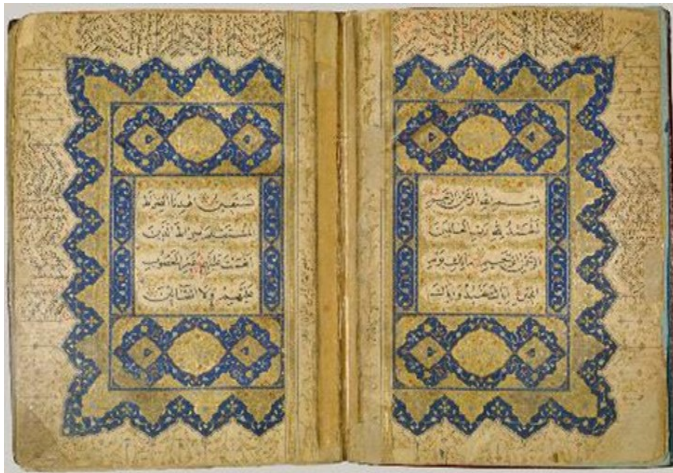
تصویر ۶- برگ مصور از مونس الاحرار، مکتب نگارگری شیراز اول (۵-سلیمانی، ۱۳۹۶)



تصویر ۷- سه مرد قبل از ورود به قلعه، خاوران نامه، سده نهم ق- ۱۵م، منسوب به شیراز دوم (۳-زیانران، ۱۳۹۵)



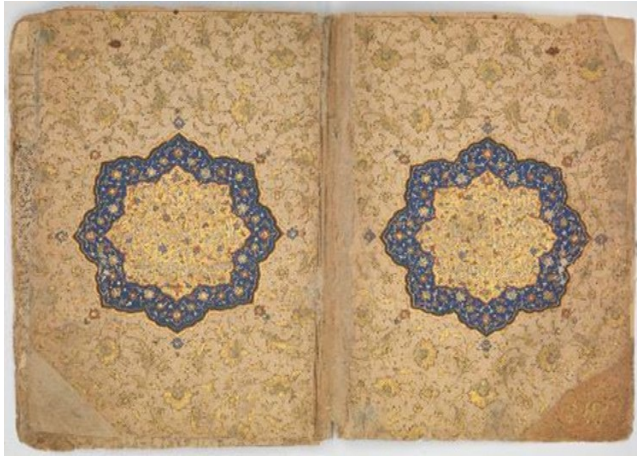
تصویر ۸- مکتب شیراز دوم (۶-ویکی پدیا، مکتب شیراز دوم)



تصویر ۹- قرآن- ابراهیم سلطان ۸۳۰ ق، ۱۴۲۷ م، منسوب به شیراز دوم (۳- زبانران، ۱۳۹۵)



تصویر ۱۰- قرآن- ابراهیم سلطان ۸۳۰ ق، ۱۴۲۷ م، منسوب به شیراز دوم (۳- زبانران، ۱۳۹۵)



تصویر ۱۱- قرآن- ابراهیم سلطان ۸۳۰ ق، ۱۴۲۷ م، منسوب به شیراز دوم (۳-زبانران، ۱۳۹۵)



تصویر ۱۲- مکتب شیراز سده ۹ ق (۷-رمضان ماهی ۱۳۹۰)



تصویر ۱۳- مکتب شیراز و عناصر باغ ایرانی در دوره تیموری (۸-انصاری، ۱۳۹۷)

کتابنامه

۱. آدامووا، ا. ت و گیوزالیان، ل. ت. نگاره‌های شاهنامه. ترجمه زهره فیضی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
۲. آژند، یعقوب. مکتب نگارگری شیراز. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
۳. _____ نگارگری ایران- پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران. تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۴. ابن بطوطه. سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
۵. انصاری، مجتبی و مهشاد نامی. «بررسی تطبیقی نگارگری مکتب شیراز و عناصر باغ ایرانی در دوره تیموری و صفوی». مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۷/۵/۱۵.
۶. پاکباز، رویین. نقاشی ایران. تهران: زرین و سیمین، ۱۳۸۴.
۷. _____ نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: نارستان، ۱۳۸۹.
۸. _____ نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین، ۱۳۹۲.

۹. پوپ، آرتور و ایهام و دیگران. سیر و صور نقاشی ایرانی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی، ۱۳۷۸.
۱۰. تجویدی، اکبر. نگاهی به هنر نقاشی ایران از آغاز تا قرن ۱۰ ق. طبع و نشر، ۱۳۸۶.
۱۱. دولتشاه، سمرقندی. تذکرة الشعرا. چاپ محمد رضانی. تهران: کلاله خاور، ۱۳۳۶.
۱۲. _____ تذکرة الشعرا. به کوشش محمد ملک الکتاب شیرازی. تهران: ۱۳۰۵ ق.
۱۳. رعناحسینی، کرامت. «منشور کلانتری خواجه نصیر مذهب». فرهنگ ایران زمین. شماره ۲۷، ۱۳۶۳.
۱۴. رمضان ماهی، سمیه. «نقاشی در دوره اینجویان». سایت تبیان، ۱۱/۱۰/۱۳۹۲.
۱۵. _____ «مکتب شیراز سده ۹ ق». سایت تبیان، ۲۵/۱۰/۱۳۹۰.
۱۶. رهنورد، زهرا. تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
۱۷. ریشار، فرانسیس. جلوه‌های هنر پارسی، نسخه‌های نفیس ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ ق در کتابخانه ملی فرانسه. ترجمه ع. روح بخشان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۸. زبانران، مسعود. «پایگاه خبری نسخ خطی». ۱۹/شهریور، ۱۳۹۵.
۱۹. _____ «مکتب نگارگری شیراز اول». سایت مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۵/۶/۱۳۹۵.
۲۰. سلیمانی، مریم. «مکتب نگارگری شیراز اول». سایت نگاره‌ها، ۵/اسفند/۱۳۹۹.
۲۱. سید حسینی، رضا. تاریخ نقاشی در ایران. تهران: مارلیک، ۱۳۹۱.
۲۲. طاووسی، ابوالفضل. کارگاه نگارگری. تهران: کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۰.
۲۳. غنی، قاسم. تاریخ عصر حافظ در قرن هشتم. ج ۱. تهران: زوار، ۱۳۵۶.
۲۴. کن بای، شیلا. نقاشی ایرانی. ترجمه مهدی حسینی. تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۸.
۲۵. گورکیان، م و سیکر، ژ. پ. باغ‌های خیال-هفت قرن مینیاتور ایران. ترجمه پرویز مرزبان.

تهران: فروزان، ۱۳۷۷.

۲۶. ماه وان، فاطمه. «تأثیر صور خیال ادبی بر نگارگری مکتب شیراز». مجله بوستان ادب. دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.

۲۷. مریدحیدری، شیما. «تجزیه و تحلیل و تحول در نگارگری قرن ۸ تا ۱۱ ق». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۱.

۲۸. مقدم اشرافی، م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران. تهران: نگاه، ۱۳۶۷.

29. Stchoukin,1(1936), les Peinture Iranienne Sous les Derniers Abasides et les il-khans, burgs.

30. Titley,N(1983), Persian miniature Painting, oxford.

